

درآمدهای نفتی و بانک‌های کشور

دکتر محمدباقر صدیقی

نظر در برنامه چهارم را تا ۴۰ دلار افزایش دهند و تمام جداول و شاخص‌ها را بر مبنای هر بشکه ۴۰ دلار تنظیم و باز مازاد درآمد را به حساب ذخیره ارزی واریز کنند. این راهکار با توجه به هماهنگی دولت و مجلس هفتم قابل عمل بود و یکی از مزایای آن افزایش رشد اقتصادی حتی فراتر از برنامه بود که البته با ذخیره مازاد درآمدهای دیگر، گرایش بانک‌های کشور به تشویق پس انداز و کاهش هزینه و مصارف دولتی و عمومی جنبه ضد تورمی هم می‌یافت و هم از فرصت به دست آمده از افزایش بهای نفت حداکثر بهره را می‌برد و فرآیند توسعه را سریعتر از بند اول عملی می‌کرد و در صورت تحقق، به رفاه نسبی هم با توجه به افزایش تولید ناخالص داخلی یاری می‌رساند و درآمد سرانه را افزایش می‌داد.

۳- در این راهکار، درآمدهای نفتی به طور کلی هزینه می‌شد و بدون توجه به برنامه چهارم و اصلاح آن (بند ۲-۱) درآمد نفت را در بودجه‌های سالیانه لحاظ و هزینه می‌کرد (آنچه اتفاق افتاده، تقریباً مشابه این راهکار است). در این راهکار نیز اگر مازادی از درآمدهای نفتی می‌ماند، به حساب ذخیره ارزی واریز می‌شد. یکی از نتایج این راهکار، افزایش نقدینگی فراتر از ظرفیت اقتصاد ملی بود که رخ داد (نقدینگی ۶۸ هزار میلیارد تومان در سال ۸۴ به ۱۶۰ هزار میلیارد تومان در سال ۸۶ رسید). حاصل این اتفاق تورمی فراتر از توان مردم و شیوع بیماری هلندی است. گرچه دولت با واردات گسترده کالا و کنترل بخشی از مصارف و سه قفله کردن خزانه بانک مرکزی و جلوگیری از خلق پول توسط مؤسسات و حذف چک پول‌ها از سیستم بانکی و انتشار چک پول بانک مرکزی و جلوگیری از تزریق نقدینگی در حد توان سعی کرد اثرات تورمی این راهکار را خنثی کند ولی تورم هنوز ادامه دارد.

در نتیجه:

۱-۳- نقدینگی بدون کنترل مسیر رفت و برگشت به جای حضور در طرح‌های هدفمند که رشد تولید و ثروت ملی را با برنامه ریزی عملی کند، به مسیرهای دیگر سودآور رفته و بدون تقویت اقتصاد ملی و استفاده بهینه از منابع، هزینه شده است. البته عده‌ای مسکن را نیز تولیدی می‌دانند که هست، ولی بورس بازار مسکن و سایر کالاها نمی‌تواند تولید نامیده شود.

۲-۳- طبق گزارش قائم مقام بانک مرکزی، بعضی از بانک‌ها در آغاز کار دولت نهم گزارشی از امکانات اعتبار دهی فراتر از توان خود (۱۲۰ هزار میلیارد تومان بیشتر گزارش کردند) ارایه داده و بر مبنای آن اعتباردهی انجام دادند. حاصل این اقدام، کاهش توان بانک‌ها بود که با افزایش معوقه‌ها و عدم بازگشت به موقع اعتبارات جدید بر مشکلات بانک‌ها که موتور تولید کشورند، افزوده شد، و به ناچار از بانک مرکزی استقراض کردند. لذا ضرورت دارد که

درآمد نفت کشور ما بیش از یکصد سال است که در اقتصاد ملی ایران نقش تأثیرپذیری ایفا می‌کند. گرچه این نقش با توجه به افزایش و یا کاهش بهای نفت کم یا زیاد می‌شود. بهای نفت در یک سیر تاریخی یعنی تا سال ۱۳۵۱ از جهش برخوردار نبود؛ حتی در دو جنگ جهانی اول و دوم با وجود نقش برجسته نفت در تحولات و پیشرفت فن آوری در جهان، قیمت آن فراتر از معمول افزایش نیافت، لیکن در اولین شوک نفتی در سال ۱۳۵۱ بهای هر بشکه نفت از ۱/۶ دلار به بیش از ۹ دلار رسید و این چرخه از آن تاریخ تاکنون در چند مرحله با توجه به رویدادهای جهان مجدداً تکرار شده است و اگر دقت و واکاوی شود، مشاهده می‌شود که این افزایش بدون دلیل نبوده و دست‌های پیدا و پنهان آن را سامان داده‌اند. پس از اولین شوک نفتی در سال ۱۳۵۱، نفت دریای شمال قابل استخراج شد. از آن به بعد نیز هر افزایشی در قیمت نفت، نتایجی را به دست داده است. در سال‌های اخیر، به ویژه از سال ۱۳۸۲ افزایش تدریجی بهای نفت آغاز شد و در طول کمتر از دو سال از مرز رویایی یکصد دلار در هر بشکه گذشت. این افزایش با آغاز برنامه چهارم توسعه همزمان شد که با شروع کار دولت نهم در مردادماه ۱۳۸۴ مصادف بود. افزایش تقریباً روزانه و هفتگی بهای نفت کارشناسان را بر آن داشت که این افزایش را با فرآیند توسعه اقتصاد ملی تطبیق و سه راهکار را مورد تجزیه و تحلیل قرار دهند. نگارنده خود در سال ۱۳۸۴ این سه راهکار را بررسی و ارائه داد که عبارتند از:

۱- با توجه به اینکه از آغاز برنامه چهارم توسعه چند ماه در زمان آغاز کار دولت نهم نگذشته بود، پیشنهاد شد که دولت برنامه چهارم را با همان شکل مصوب اجرا و مازاد درآمدهای نفت را در حساب ذخیره ارزی، ذخیره کند. این روش می‌توانست ضمن خنثی سازی اثرات تورمی افزایش بهای نفت، باعث ذخیره حساب ذخیره ارزی پشتوانه اقتصاد ملی شود و به تبع آن با تقویت پول ملی قدرت خرید آن را افزایش دهد که در عمل اثرات ضد تورمی را به دنبال داشت. این اتفاق برای اقتصادی که بیماری‌های ساختاری توأم با تورم ساختاری داشته و دارد، در حکم داروی شفابخش شمرده می‌شد و در عمل این روش با کمک بانک‌ها می‌توانست افزایش تورم وارداتی ناشی از افزایش بهای جهانی کالاها را خنثی کند.

۲- با توجه به برخی اشکال‌هایی که برنامه چهارم توسعه داشت (از جمله افزایش نرخ سوخت بر پایه فوب خلیج فارس و تناقض در برخی جداول) دولت و مجلس دست به اصلاح برنامه چهارم زده و به تناسب ظرفیت اقتصاد ملی در برنامه چهارم و افزایش احتمالی این ظرفیت (طرح‌های عمرانی سال‌های گذشته تسریع و زمان اتمام آنها را کاهش دهند)، بهای هر بشکه نفت مورد

نهاد بانک به عنوان یک عامل رشد و توسعه مورد حمایت قرار گیرد و از اقداماتی که به بنگاه داری و کارایی آنها ضربه می زند، پرهیز شود.

۳-۳- مسئله طرح های زودبازده و کمبود نقدینگی واحدهای تولیدی یکی از دیگر از نتایج این راهکارهاست. باید طرح مطالعه شده و زمان برگشت اعتبار که پول مردم و متعلق به مردم است، مشخص شود. هر گونه انحراف از هر طرحی، چه زودبازده و چه دیربازده، نوعی ضربه زنی به امانت داری بانک ها است. بانک ها به جز کیفیت سرمایه، هر چه دارند، از آن مردم است. لذا نمی توانند و حق ندارند پول مردم را به جایی بدهند که بازگشت نداشته باشد.

۳-۴- نرخ سود بدون توجه به میزان تورم به دقت مدیریت نشده و در نتیجه به بانک ها آسیب زده است. در این میان بانک های دولتی بیشتر آسیب دیده اند که عمده ترین آن کاهش میزان سپرده گذاری در بانک های دولتی است. به عبارت دیگر، سپرده گذاران با درصد اعلامی بانک ها موافق نبوده و پول و سرمایه خود را پس انداز نمی کنند. دقت شود کاهش پس انداز در بانک ها نه تنها قدرت بانک ها را کاهش می دهد، بلکه موجب می شود که صاحب پول پس از انصراف از سپرده پول خود را وارد چرخه ای غیر از پس انداز کند که خود می تواند تورم زا باشد (نخریدن اوراق مشارکت با نرخ ۱۵/۵ درصد از جمله این مسائل است و بیانگر آن است که سپرده گذار انتظار سود بیشتر از ۱۵/۵ درصد را دارد).

۳-۵- تبدیل دلار به یورو یا جایگزینی یورو بدون بررسی درازمدت، نیز یکی از مسائل مورد توجه است. اگر در افزایش بهای نفت دقت شود مشاهده می شود که این اتفاق از سال ۱۳۵۱ (۱۹۷۲) چند بار تکرار شده است. اقتصاد جهان توان تحمل افزایش مداوم نرخ نفت را ندارد. تلاوم آن به رکود اقتصاد جهانی منجر می شود و رکود اقتصاد جهانی موجب کاهش مصرف و کاهش نرخ نفت می گردد. لذا ضرورت دارد بانک ها به مدیریت نرخ ارز توجه خاصی داشته باشند تا از بروز طلمات به اقتصاد ملی جلوگیری شود.

۳-۶- نگاهی به تحولات بهای نفت در جهان و موسمی بودن آن، بیانگر آن است که برنامه ریزان از زاویه بانک مرکزی و سایر بانک ها به این نوسانات توجه کرده و طوری عمل کنند که ضرر و زیان ناشی از آن به حداقل برسد. در چنین فضایی که ترسیم شده، بانک های کشور می توانند در اقتصاد ملی تأثیر گذار باشند.

۳-۷- ایجاد بانک قرض الحسنه جدا از بانک ها و دادن استقلال به آن گرچه می تواند در فرایند وام های کوچک مؤثر باشد، ولی قرض الحسنه یک سنت شرعی است و قرن ها است که مسلمانان به آن وقوف داشته و آن را عملی می سازند، در حالی که طبق اصل ۴۴ قانون اساسی و قانون آن در برنامه سوم و چهارم توسعه دولت باید از تصدی گری هایی که مردم توان انجام دادن آن را دارند، بر حذر باشد. شاید گفته شود تجربه صندوق های

قرض الحسنه در سال های گذشته مشکلاتی داشت. باید گفت که اولاً، آن صندوق های قرض الحسنه واقعی نبوده و شاید خیریه بودند، در صورتی که قرض الحسنه طبق آموزه های صریح قرآنی عبارت از وامی است که مسلمانی به مسلمانی دیگر در مواقع بروز مشکل می پردازد تا هر زمان که امکان داشت، باز پس دهد. در قرض الحسنه سود و حتی کارمزد وجود ندارد. خداوند بشارت اجر مضاعف برای کسانی می دهد که این فریضه را انجام می دهند. صندوق های قرض الحسنه پس از ثبت و گزارش آن به بانک مرکزی می توانند تحت نظارت باشند.

۳-۸- ضرورت دارد که بانک های کشور با استقلال بیشتر عمل کنند و ضمن رعایت شرایط بانک تسویه حساب های بین المللی (بازل ۱ و ۲) به فعالیت بپردازند و به عنوان یک بنگاه اقتصادی اداره شوند. تکرار این موضوع ضروری است که بانک ها فقط مالک کیفیت سرمایه خود باشند، بقیه سرمایه آنها متعلق به مردم و پس انداز کنندگان آنان است. لذا بسیاری از اقتصاددانان اعتقاد دارند که بانک ها چه دولتی و چه خصوصی تابع مقرراتی هستند و از قوانین پیروی می کنند که یکسان است. تنها در حوزه مدیریت است که بانک های دولتی دارای مدیران منصوب دولت هستند. بانک ها و کیل و امین مردم هستند و طوری باید اداره شوند که از این امانت و وکالت پاسداری کنند.

۳-۵- واگذاری پیش بینی شده بانک های تجارت، صادرات و ملت زمانی امکان پذیر است که این بانک ها در بهترین حالت دارای سرمایه و کیفیت سرمایه کافی باشند و وضع معوقه ها آنها روشن شود. بانک صادرات ایران با وجود اینکه از طریق نظام سلطه تحت فشار بوده، با مدیریت برجسته خود توانسته به بنگاهداری بهینه بپردازد. فروش ۵۱ درصد سهام شرکت سرمایه گذاری غدیر مقدمه ای است که بانک صادرات به تدریج به مردم و بخش خصوصی واگذار شود.

در پایان به این نکته اشاره می شود که هر کشوری که دارای بانکداری قوی و سالم و شفاف باشد، در فرآیند توسعه به رشد خود ادامه می دهد و رفاه نسبی را برای مردم خود به ارمغان می آورد. دقت در رویدادهای اقتصادی در آمریکا و اروپا بیانگر آن است که اگر بانک ها دچار مشکل شدند، اقتصاد کشور نیز دچار مشکل می شود. لذا ضرورت دارد با اصلاح ساختار بانک ها و تقویت مدیران توانمند و سالم به توسعه اقتصاد کشور بر اساس چشم انداز ۲۰ ساله یاری رساند. دستیابی به اهداف و آرمان های چشم انداز توسعه در گرو داشتن صنعت بانکداری قدرتمند و شفاف و سالم است. تلاش کنیم که گردش پول در جامعه از طریق بانک ها انجام گیرد. هر چه بانک ها فعال تر شوند، به همان نسبت بازارهای غیر شفاف پولی را در تنگنا قرار می دهند و موجب می شوند که پول موجود در جامعه به عنوان سپرده وارد چرخه بانک ها شود.

